

پس از اعلام ممنوعیت فعالیت هوم اسکول ها، موافقان و مخالفان از مزایا، آسیب ها و خلأ نظارت می گویند

فرار از آموزش رسمی با «هوم اسکول»



روزنامه سامان

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۴۹ | یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |

www.payama.ir

میراث تاریخی زیر چکش حراج

قالی ها، نسخه های خطی و آثار بیش از ۵۰ ساله در بیست و پنجمین حراج تهران به فروش رسید

۴

کودکی، حلقه گمشده حفاظت از محیط زیست

در نشست «کودکان، تجربه طبیعت و آینده حفاظت از آب» عنوان شد

۶

رهایی از بند با کتاب

گفت و گو با «محمدرضا معمارصادقی» درباره پوشش جمع آوری کتاب برای زندان ها

۸

سرد رؤیایی

احسان امینیایی | پژوهشگر

۱

پارادوکس خشونت و سیاست

اسارا روشن | پژوهشگر جامعه شناسی سیاسی

۱

عوارض محیط زیستی در تنگنای عملیاتی شدن

تدوین نظام نامه دریافت عوارض محیط زیستی از کشتی های عبوری در تنگه هرمز، ایده ای جدید با نتایج نامشخص است

عباس ملکی، دیپلمات واستاد دانشگاه: نمی دانیم حتی اگر دریافت عوارض محیط زیستی عملی شود، برای فعالیت های محیط زیستی هزینه می شود

یاد دولت ها باز هم آن پول را برای موارد دیگر استفاده می کنند

برچی که فرو ریخت زنی که ایستاد

روایت صدیقه عبدلهی نخستین زن شاغل در برج مراقبت دریایی چابهار



جنگ، گاهی در تردید یک مادر برای فرستادن فرزندش به جلسه امتحان آغاز می شود؛ در شب هایی که کودکی هفت ساله از ترس انفجار خوابش نمی برد؛ و در زندگی زنی که میان مراقبت از خانواده و حفظ شغلی که سال ها برای به دست آوردنش جنگیده، گرفتار مانده است.

این گزارش، روایت صدیقه عبدلهی است؛ زنی که جنگ را هم زمان در سه جایگاه تجربه کرده است: زنی شاغل که برای ماندن و دوام آوردن در یکی از مردانه ترین محیط های کاری جنوب کشور جنگیده؛ مادری که میان امنیت فرزند و آینده تحصیلی او ناچار به تصمیم گیری شده؛ و شهروندی که سه بار فروریختن محل کارش را به چشم دیده است.

۵

زنگ هشدار تغییر اقلیم برای جهان

محمد اسماعیل اسدی | پژوهشگر آب و خاک

۶

نگاهی فراتر از حرفه به شهرسازی

محمد کریم آسایش | کنشگر و پژوهشگر شهری

۸

یادداشت

مطلوب، فساد بسیار پایین، شفافیت، پاسخ گویی دولت، استقلال قوه قضائیه و آزادی رسانه ها از دیگر ویژگی های برجسته آن به شمار می رود.

در بحث توسعه، نادیده گرفتن نقش زنان به معنای نادیده گرفتن نیمی از ظرفیت جامعه است و نروژ این واقعیت را به خوبی درک کرده است. این کشور از پیشرفته ترین کشورهای جهان در زمینه برابری جنسیتی و جایگاه اجتماعی زنان به شمار می رود. زنان از حقوق قانونی تقریباً برابر با مردان برخوردارند و در عرصه های سیاسی، اقتصادی، آموزشی و اجتماعی حضوری پررنگ دارند. حضور آنان در سیاست نیز نه نمادین، بلکه واقعی است. حدود ۴۵ درصد اعضای پارلمان را زنان تشکیل می دهند و در دولت های مختلف، مسئولیت وزارتخانه های کلیدی مانند دارایی، امور خارجه، آموزش و پرورش و دادگستری را بر عهده دارند. همچنین حدود ۷۰ درصد زنان در سن کار در فعالیت های اقتصادی مشارکت دارند، در حالی که این رقم در ایران حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد است.

این ها تنها بخشی از دلایل توسعه یافتگی نروژ و منشأ حسرت بسیاری از کشورهاست. روشن است که با نگاهی واقع بینانه، رسیدن به چنین جایگاهی برای ایران و بسیاری از کشورهای منطقه در کوتاه مدت آسان نیست؛ اما تجربه نروژ درس های ارزشمندی در اختیار ما قرار می دهد. مهم ترین این درس ها آن است که اقتصاد، توسعه و کلیدواژه بنیادین آن، یعنی آزادی، مهم ترین عرصه رقابت میان ملت هاست؛ عرصه ای که بدون هیاهو و رجزخوانی، می تواند آینده ای روشن تر برای هر جامعه ای رقم بزند.

تک حزبی شدن نینجامیده و امکان فعالیت صدهای مخالف را از میان نبرده است. آزادی، که از مهم ترین ارکان توسعه به شمار می رود، در این کشور جایگاه ویژه ای دارد. نروژ در بسیاری از ارزیابی ها از دموکراتیک ترین کشورهای جهان شناخته می شود و تجربه آن برای بسیاری از کشورها یادآور این واقعیت است که توسعه بدون آزادی و دموکراسی پایدار نخواهد بود؛ همان نکته ای که آمارتیا سن در کتاب مشهور خود، توسعه یعنی آزادی، بر آن تأکید کرده است.

محاکمه عادلانه آندرس برویک، عامل حملات تروریستی سال ۲۰۱۱، نیز برای بسیاری نمونه ای از پایبندی این کشور به حاکمیت قانون بود. این تجربه نشان داد که کاهش جرم و جنایت الزاماً از مسیر انتقام، اعدام یا مجازات های خشن نمی گذرد، بلکه می توان با گسترش آگاهی، رفاه و اعتماد عمومی، امنیتی پایدار ایجاد کرد.

نروژ همانند دیگر کشورهای اسکاندیناوی، از پیشگامان حفاظت از محیط زیست است. البته این کشور نیز مانند هر جامعه صنعتی با چالش هایی روبرو است، اما در اغلب شاخص های معتبر جهانی محیط زیست، در میان ۱۰ تا ۲۰ کشور برتر قرار دارد. سهم برق تجدیدپذیر در سبد انرژی آن بین ۹۵ تا ۹۸ درصد است و در استفاده از خودروهای برقی نیز رتبه نخست جهان را دارد؛ به گونه ای که بیش از ۹۰ درصد خودروهای نو فروخته شده در این کشور برقی هستند.

نروژ سرزمین باسوادان نیز هست. آموزش در این کشور تقریباً رایگان است و بیش از ۵۰ درصد بزرگسالان تحصیلات دانشگاهی دارند. افزون بر این، حکمرانی

سرد رؤیایی

احسان امینیایی | پژوهشگر

جام جهانی ۲۰۲۶ رو به پایان است. مخاطبان این دوره، بازی های به یادماندنی برخی تیم ها، از جمله نروژ را به این زودی فراموش نخواهند کرد. صعود این تیم به مرحله حذفی، شکست سنگال و برزیل پرستاره و در نهایت حذف میلی متری برابر انگلیس پرمهره، از شگفتی های این دوره بود. در عرصه مدال آوری، معمولاً هرگاه زمان بازی های زمستانی فرا می رسد، نوبت قدرت نمایی این کشور سردسیر ۵.۵ میلیون نفری اروپا و پیروزی برابر تیم هایی چون منچستر سیتی، پرمخاطبتری همچون فوتبال را نیز به عنوان عرصه ای تازه برای قدرت نمایی هدف قرار داده است.

پیش از آغاز مسابقات، نتایج باشگاهی، به ویژه عملکرد باشگاه بودو/گلیتم در فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۶ لیگ قهرمانان اروپا و پیروزی برابر تیم هایی چون منچستر سیتی، اتلنتیکو مادرید و اینترمیلان، از برنامه ریزی بلندمدت این کشور توسعه یافته برای فوتبال حکایت داشت. کشوری که به گفته یکی از گزارشگران شناخته شده فوتبال، باعث

خبرارش

آتش سوزی های جنگلی، آتش نشانان را وادار به انتخاب های ناممکن می کند

با تشدید بحران اقلیمی و گسترش آتش سوزی های مهیب به مناطق جدید جهان، نیروهای آتش نشانی ناچار شده اند منابع محدود خود را سهمیه بندی کنند و تصمیم بگیرند کدام آتش را خاموش کنند و کدام را رها. سزار آلکاراز اواخر دهه ۱۹۹۰ تازه آتش نشان شده بود که ناگهان در محاصره یک آتش سوزی بسیار سریع قرار گرفت. او و همکارانش که به سختی نفس می کشیدند و دیگر آبی در مخزن خودرویشان نمانده بود، از میان شعله هایی که کوهستان موننگو در اسپانیا را می بلعید گریختند و آرزوی کردند فرماندهان نیروی کمکی بیشتری اعزام کرده بودند. اما نزدیک به سه دهه بعد، آلکاراز که اکنون از فرماندهان آتش نشانی استان آلیکانته است، نگاه متفاوتی به تصمیم های دردناک فرماندهان دارد. او می گوید وقتی آتش سوزی های جنگلی منطقه ای را در بر می گیرند، وظیفه اش شبیه پزشکی در بخش اورژانس است که تعداد دستگاه های تنفس مصنوعی اش کمتر از شمار بیماران است. این دوراهی هر روز دشوارتر می شود؛ زیرا آتش سوزی ها در سراسر مدیترانه شدت گرفته اند و اکنون کشورهایی مانند بریتانیا، که تا همین اواخر اقلیم سردتری داشتند، نیز با پدیده ای روبه رو شده اند که آتش به شهرها، خانه ها و باغ ها راه پیدا کرده است. آلکاراز که در مرکز فرماندهی فعالیت می کند، می گوید وقوع هم زمان چندین آتش سوزی اکنون هم زودتر از گذشته آغاز می شود و هم بیشتر اتفاق می افتد. او می گوید: «وقتی سو یا سه آتش سوزی هم زمان شروع می شوند، مجبورم فوراً تصمیم های شبیه تریاژ پزشکی بگیرم؛ یعنی تعیین کنیم کدام حادثه اولویت دارد.» در ماه جاری، آتش سوزی های مکرر بخش های وسیعی از اروپای غربی را دربر گرفته اند؛ نتیجه سه موج گرمای پیاپی که پوشش گیاهی سرسبز را به سوختی خشک و آماده اشتعال تبدیل کرده است. هم زمان، آتش سوزی های گسترده در آمریکای شمالی نیز دود غلیظی را بر فراز شهرها گسترانده اند. فرانسه، پرتغال و اسپانیا هر سه در این مقطع از سال با رکورد بی سابقه ای از نظر تعداد آتش سوزی روبه رو شده اند. در فرانسه سطح سوخته شده به رکوردی تازه رسیده و در اسپانیا دست کم ۱۳ نفر جان خود را از دست داده اند. بریتانیا نیز هفته را با وقوع ۱۹ آتش سوزی هم زمان آغاز کرد؛ وضعیتی که کارشناسان از آن با عنوان «موج آتش» یاد کرده اند؛ پدیده ای که از همیشه گسترده تر است. در آن سوی اقیانوس اطلس، دود ناشی از حدود ۵۰ آتش سوزی در شمال استان انتاریو کانادا، روز چهارشنبه تورنتو را به آلوده ترین شهر بزرگ جهان تبدیل و سپس به ایالات متحده رسید و هوای نیویورک را نیز آلوده کرد. بر اساس پژوهشی که سال گذشته منتشر شد، دود آتش سوزی های کانادا در سال ۲۰۲۳ موجب حدود ۸۲ هزار مرگ زودرس شده است؛ از جمله ۳۳ هزار مورد در آمریکا و ۲۲ هزار مورد در اروپا. آلانزس کوپرتیک اتحادیه اروپا نیز روز جمعه هشدار داد که دود تابستانی باعث صدور هشدار «کیفیت هوای بسیار نا سالم» در مناطقی مانند ایالت نیوجرسی شده است؛ جایی که قرار است فینال جام جهانی فوتبال روز یکشنبه برگزار شود.

مسئله فقط وسعت آتش نیست

شاید عجیب به نظر برسد، اما در مقیاس جهانی، مجموع مساحت زمین های سوخته کاهش یافته است؛ زیرا بخش بزرگی از ساواناهای آفریقا که مستعد آتش سوزی بودند، اکنون به زمین های کشاورزی تبدیل شده اند. اما در مقابل، آتش سوزی ها در مناطقی که رخ می دهند که داغ تر شده اند، پیش بینی ناپذیرتر شده اند و تعدادشان افزایش یافته است. گرمایش ناشی از انتشار گازهای گلخانه ای باعث خشک تر شدن پوشش گیاهی شده و همین موضوع سبب می شود آتش های کوچک به سرعت به جهمی از شعله تبدیل شوند. در نتیجه، آتش اکنون به مناطقی سرایت می کند که پیش تر چندان آسیب پذیر نبودند؛ از جنگل ها و مراتع گرفته تا پارک ها، باغ ها و حتی شهرها؛ مناطقی که پژوهشگران آن ها را «مرز میان طبیعت و شهر» می نامند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

یادداشت

پارادوکس خشونت و سیاست

از گسست دیالوگ تا ضرورت تاریخی

رژیم های توتالیتر دچار نوعی الکنی هستی شناختی اند آن ها با توسل به خشونت فضای عمومی را از دیالوگ آزاد تهمی می کنند و جای آن را با تکرار شعارها پر می کنند شعارهایی که در واقع نه گفت و گو، بلکه پژواک خشونت بار سکوت اند

ضرورت تاریخی، خشونت را اجتناب ناپذیر می کند. او معتقد بود سوژه انقلابی باید مسئولیت اخلاقی عمل خشن خود را بپذیرد؛ یعنی خشونت را نه به عنوان خیری مطلق، بلکه به مثابه گناهی ضروری ببیند. لوکاچ، متأثر از هگل، خشونت سوژه انقلابی را در موقعیت های خاص، نه نر مطلق، بلکه مسئولیتی تراژیک برای گذار از وضعیتی می داند که در آن دیالوگ واقعی ناممکن شده است. در این دیدگاه، خشونت موجه، خشونتی است که به گشایش فضای سیاسی آینده معطوف باشد. این استدلال، اخلاق فردی پرهیز از خشونت را در برابر اخلاق تاریخی پذیرش مسئولیت جنایت برای آزادی قرار می دهد؛ تقابلی که فرد را در موقعیتی تراژیک قرار می دهد؛ جایی که کنشگر سیاسی ناگزیر است برای تحقق سیاست، به فعلی دست بزند که خود سیاست را محو می کند.

بسط خشونت در واقعیت سیاسی، همواره به پوششی زبانی نیاز دارد. خشونت به تنهایی ابتر است؛ بنابراین، برای کسب مشروعیت باید به نامی متصل شود: «به نام ملت»، «به نام

پارادوکس خشونت و سیاست

از گسست دیالوگ تا ضرورت تاریخی

اسارا روشن | پژوهشگر جامعه شناسی سیاسی

اگر مطابق سنت آرنت، سیاست را نه ابزاری برای رسیدن به هدف، بلکه عرصه ای گشوده برای دیالوگ و تکرر بدانیم، خشونت به معنای دقیق کلمه، ضد سیاست است. هانا آرنت در کتاب در باب خشونت استدلال می کند که خشونت نه تنها فاقد سرشت سیاسی است، بلکه دقیقاً از همان جا که خشونت آغاز می شود، سیاست پایان می یابد. در این ساحت، خشونت عریان ناتوان از تولید معناست؛ زیرا دیالوگ مستلزم حضور دیگری

موشک باران

در حریم «آلفا آلفا»

اصابت موشک‌های آمریکایی به محدوده ساختمان تاریخی «آلفا آلفا» و بیمارستان «شهید بقایی» اهواز که آن نیز در فهرست آثار تاریخی کشور ثبت شده است، نگرانی‌ها درباره وضعیت یکی از بناهای تاریخی ثبت ملی‌شده این شهر را افزایش داد.

ساختمان «آلفا آلفا» یکی از بناهای تاریخی به‌جامانده از حضور آلمانی‌ها در شهر اهواز است که حریم آن در شب‌های گذشته هدف حملات موشکی نیروهای آمریکایی قرار گرفت.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خوزستان اعلام کرد: «بیمارستان شهید بقایی در کنار ساختمان آلفا آلفا قرار دارد و در فهرست میراث جنگ نیز به ثبت ملی رسیده است.» این بیمارستان بلافاصله تخلیه شد و یک روز بعد، با تلاش کادر درمان و مسئولان استانی، دوباره به چرخه ارائه خدمات بازگشت.

محمد جوړوند با بیان اینکه ساختمان آلفا آلفا و بیمارستان شهید بقایی از تخریب در امان ماندند، اما آسیب‌های جزئی دیدند، گفت: «پایش محوطه‌های تاریخی، بناها و موزه‌های استان خوزستان از زمان آغاز جنگ با جدیت ادامه دارد.»

مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان با اشاره به حمله اخیر در محدوده بیمارستان بقایی اهواز گفت: «بیمارستان بقایی درست در کنار ساختمان تاریخی آلفا آلفا قرار دارد و هر دو مجموعه در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند.»

او افزود: «ساختمان آلفا آلفا هم‌زمان با ساخت مجموعه گروه ملی، برای اسکان شماری از کارگران آلمانی در نظر گرفته شد. این مجموعه پس از انقلاب تغییر کاربری داد، در دوران دفاع مقدس نیز مورد استفاده قرار گرفت و بعدها به مجموعه‌ای درمانی تبدیل شد.»

به گفته جوړوند، این ساختمان به دلیل اهمیت تاریخی و نقش آن در تحولات معاصر خوزستان، در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان گفت: «این مجموعه با شماره ثبت ۳۴۳۰۴ در تاریخ ۷ مهر ۱۴۰۳، توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ثبت و رونمایی شد.»

جوړوند با اشاره به شدت حمله در محدوده بیمارستان بقایی گفت: «محل اصابت حدود ۲۰۰ متر با بیمارستان فاصله داشت. خانه خود من نیز حدود سه کیلومتر با آتجا فاصله دارد. با وجود اینکه زلزله‌های زیادی را تجربه کرده‌ام، تاکنون چنین صدا و لرزه‌ای احساس نکرده بودم.»

او افزود: «وقتی چنین صدا و لرزه‌ای در این فاصله احساس می‌شود، می‌توان تصور کرد بیماران و کارکنان بیمارستان چه شرایط سختی را تجربه کرده‌اند.»

مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی حفاظت از آثار تاریخی استان در جریان حملات اخیر گفت: «در حال حاضر هیچ گزارشی از آسیب به بناهای تاریخی، موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی استان دریافت نکرده‌ایم.»

او با اشاره به اهمیت آثار جهانی خوزستان افزود: «چفازنبیل و محوطه‌های تاریخی شوشتر خوشبختانه تاکنون آسیب ندیده‌اند و وضعیت آن‌ها به‌صورت مستمر بررسی می‌شود.»

جوړوند گفت: «در دوره‌های قبلی درگیری نیز بسیاری از اماکن تاریخی آسیب ندیدند، اما برخی بناهای ثبت‌شده، مانند یادگان‌های تاریخی، دچار آسیب شدند.» مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان درباره اقدامات حفاظتی برای موزه‌ها گفت: «مانند گذشته، اشیای موزه‌ای جمع‌آوری و در مخازن امن نگهداری شده‌اند. همه آثار در شرایط ایمن قرار دارند.»

او افزود: «از روز نخست آغاز دوباره جنگ، جلسه شورای اداری را برگزار کردیم و همه رؤسای شهرستان‌ها را دعوت کردیم. در این جلسه بر پایش مستمر آثار، حفاظت از اشیا و رعایت ملاحظات حفاظتی تأکید کردم.»

جوړوند درباره نحوه پایش محوطه‌های تاریخی در شرایط جنگی گفت: «وقتی از پایش مستمر سخن می‌گوییم، منظور این نیست که نیروها بدون توجه به شرایط خطر در محل بمانند، زیرا حفظ جان انسان‌ها در اولویت قرار دارد.»

او ادامه داد: «محوطه‌های تاریخی با رعایت اصول ایمنی پایش می‌شوند، وضعیت آن‌ها مستندنگاری می‌شود و همکاران ما در شهرستان‌ها به‌صورت مستمر شرایط آثار را بررسی می‌کنند.»

مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان تأکید کرد: «پایش آثار تاریخی و موزه‌های استان ادامه دارد و در صورت مشاهده هرگونه آسیب، اقدامات لازم انجام می‌شود.»



آرشا رضایی

قالی‌ها، نسخه‌های خطی و آثاری بیش از ده‌ساله در بیست وپنجمین حراج تهران به فروش رسید

میراث تاریخی، زیر چکش حراج

مسئول نظارت بر خرید و فروش آثار تاریخی کدام نهاد است و چرا اختلاف‌ها هر سال تکرار می‌شود؟

در حراج تهران، بار دیگر آثار تاریخی به فروش رسید. آثار هنری اگر بیش از ده‌سال قدمت داشته باشند، در زمره آثار تاریخی قرار می‌گیرند. خرید و فروش این آثار تنها در صورتی مجاز است که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای آن مجوز صادر کرده باشد. حراج تهران مدعی است این مجوز را دریافت کرده، اما وزارت میراث فرهنگی این ادعا را رد می‌کند. هر سال با عرضه آثار تاریخی در حراج تهران، اعتراض‌هایی از سوی وزارت میراث فرهنگی و برخی مسئولان مطرح می‌شود، اما در نهایت آثار فروخته می‌شوند و به مالکان جدید انتقال می‌یابند. مدیران حراج تهران نیز سال بعد، آثار تاریخی بیشتری را در فهرست فروش قرار می‌دهند.



اصبا رضایی

روزنامه‌نگارا

در بیست‌وپنجمین دوره حراج تهران که روز جمعه برگزار شد، قالی‌تصویری شاپوریکم با قیمت ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان، قالی ترحی تصویری کرمان با قیمت ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان، قالی‌تصویری «قصه‌های قفقاز» با قیمت ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و تابلوی سیاه‌مشق عمادالکتاب با قیمت ۷۱۵ میلیون تومان به فروش رسیدند. این آثار بیش از ده‌سال قدمت دارند و براساس ضوابط موجود، فروش آن‌ها بدون مجوز وزارت میراث فرهنگی امکان‌پذیر نیست؛ البته روی کاغذ. در عمل، با وزارت میراث فرهنگی تاون جلوگیری از این روند ندارند یا برخورد با آن را در اولویت قرار نمی‌دهد. بر اساس ضوابط موجود، آثار تاریخی با قدمتی بیش از ده‌سال نباید در حراج تهران عرضه شوند، مگر آن‌که وزارت میراث فرهنگی مجوز رسمی صادر کرده باشد. با این حال، در آخرین دوره حراج تهران، از میان ده اثر ارائه‌شده، چند اثر تاریخی نیز در فهرست فروش قرار داشت.

این در حالی‌است که براساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی و تبصره ۱۴ ماده ۴ آیین‌نامه حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی. تاریخی منقول مجاز، صدور مجوز فعالیت‌های مربوط به نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های فرهنگی و هنری و همچنین حراج و فروش آثار هنری تجسمی، از جمله نقاشی، عکاسی و مجسمه‌سازی، که بیش از ده‌سال از زمان تولید آن‌ها نگذشته باشد، برعهده وزارت میراث فرهنگی است. البته این حکم شامل حراج و فروش آثار و نفایس ملی نمی‌شود.

آثار تاریخی و بر اساس ضوابط میراث فرهنگی، در زمره اموال فرهنگی واجد ارزش ملی قرار دارند و خرید و فروش آزاد یا خروج آن‌ها از کشور تابع قوانین حفاظت از میراث فرهنگی است.

در سال‌های گذشته نیز قرار گرفتن آثار تاریخی در فهرست حراج‌های ماندن حراج تهران و حراج‌ها بارن، موجی از اعتراض و نگرانی را به دنبال داشته است. همین موضوع حدود ده‌سال

و هنری منقول شد. همچنین براساس مصوبه‌ای ذیل اصل ۱۳۸ قانون اساسی، آثاری که بیش از ده‌سال قدمت دارند، برای عرضه یا فروش باید مجوزهای قانونی لازم را دریافت کنند. با این حال، در عمل هر بار شاهد روایت‌های متفاوت دستگاه‌های مسئول هستیم وهمین مسئله ابهام‌های فراوانی ایجاد کرده‌است.»

✱ **ماجرای «دختر نشسته»**

فلاح‌فر درباره عرضه تابلوی «دختر نشسته» در حراج سال گذشته می‌گوید: «درماجرای فروش این تابلو نیز همین اختلاف‌ها وجود داشت. امسال هم چند تخته قالی، یک نسخه خطی و چند اثر دیگر در حراج عرضه شده‌اند. در تمام این موارد، وزارت میراث فرهنگی اعلام می‌کند مجوزی صادر نکرده است، اما حراج تهران مدعی دریافت همه مجوزهای لازم از همین وزارتخانه است. در نهایت نیز آثار فروخته می‌شوند و هیچ توضیح روشنی درباره این تناقض‌ها ارائه نمی‌شود.»

اوادامه می‌دهد: «سال گذشته وزارت میراث فرهنگی اعلام کرده بود که این اثر نباید از کشور خارج شود، اما در نهایت فروخته شد. این وضعیت نشان می‌دهد میان نهادهای مسئول هماهنگی لازم وجود ندارد و هر دستگاه، مسئولیت را به دیگری واگذار می‌کند؛ درحالی‌که افکار عمومی حق دارد بداند مجوزها چگونه صادر شده و کدام نهاد مسئول این فرایند بوده است.»

این کارشناس میراث فرهنگی تأکید می‌کند: «پیش از هر اقدامی باید وضعیت موجود به‌صورت شفاف بررسی شود. اگر وزارت میراث فرهنگی می‌گوید مجوزی صادر نکرده و در مقابل، حراج تهران مدعی دریافت مجوز از همین وزارتخانه است، لازم است همه نامه‌ها، مجوزها و تاریخ مکاتبات منتشر شود تا مشخص شود کدام روایت با واقعیت مطابقت دارد.»

✱ **وجود افراد بانفوذ در حراج تهران**

فلاح‌فر می‌افزاید: «بدون رودربایستی باید پذیرفت افرادی بانفوذ در این حوزه حضور دارند و همین نفوذ باعث شده برخی مدیران توان مخالفت با تصمیم‌های اتخاذشده را نداشته باشند.» او معتقد است لازم است یک مرجع قانونی، مستقل و بی‌طرف همه اسناد و مکاتبات را بررسی کند تا مشخص شود آیا مجوزی صادر شده، این مجوز در چه تاریخی صادر شده و آیا روند قانونی طی شده است یا خیر. به گفته او، نتیجه این بررسی مشخص خواهد کرد که آیا حراج تهران خارج از قانون عمل کرده یا در فرایند صدور مجوز تخلفی صورت گرفته است.

فلاح‌فر همچنین می‌گوید قدمت نباید تنها معیار تشخیص آثار نفیس تاریخی باشد. «در آثار نیمه‌های فعلی، مرز ده‌سال به‌عنوان معیار تشخیص تعیین شده و بر همین اساس، آثار زیر ده‌سال در حوزه وزارت فرهنگ و آثار بالای ده‌سال در حوزه وزارت میراث فرهنگی قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که این تقسیم‌بندی از نظر کارشناسی کامل نیست.» او ادامه می‌دهد: «ممکن است اثری هزار سال قدمت داشته باشد اما تنها ارزش تاریخی داشته باشد. در مقابل، ممکن است اثری متعلق به دوره معاصر باشد، اما به‌دلیل اهمیت فرهنگی و هویتی، جزو آثار نفیس ملی محسوب شود و خروج یا فروش آن با محدودیت مواجه باشد.

بنابراین، تعیین ارزش ملی آثار باید بر پایه مجموعه‌ای از شاخص‌های کارشناسی انجام شود، نه صرفاً براساس عمر اثر.» فلاح‌فر تأکید می‌کند: «وزارت میراث فرهنگی باید هرچه سریع‌تر فهرست آثار نفیس ملی را به‌صورت دقیق و شفاف تهیه و منتشر کند تا مشخص باشد کدام آثار مشمول محدودیت‌های قانونی هستند. تا زمانی که چنین فهرستی وجود نداشته باشد، اتکا به معیار ده‌سال قدمت نمی‌تواند مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری باشد وزمینه بروز اختلاف و تفسیرهای متفاوت را فراهم می‌کند.» او درباره ضمانت اجرای قوانین نیز می‌گوید: «صرف تصویب قانون یا آیین‌نامه، بازدارندگی ایجاد نمی‌کند و اجرای قانون نیازمند ورود جدی نهادهای نظارتی است. سازمان بازرسی کل کشور، دستگاه قضایی و سایر مراجع نظارتی می‌توانند بدون انتظار برای طرح شکایت، به این موضوع ورود کنند و با بررسی اسناد و مجوزها مشخص کنند آیا حراج تهران مجوز قانونی برای عرضه این آثار داشته است یا خیر.»

به گفته او، شفاف شدن این فرایند، علاوه بر جلوگیری از تکرار اختلاف‌های گذشته، می‌تواند اعتماد عمومی را نسبت به نحوه حفاظت وصیانت از میراث فرهنگی کشور افزایش دهد.

✱ **فروش آثار تاریخی چه ایرادی دارد؟**

در مقابل، این دیدگاه، برخی از کارشناسان پیشکسوت میراث فرهنگی معتقدند خرید و فروش آثار تاریخی، به‌جز آثاری که حاصل حرای‌های غیرمجاز و به اصطلاح «زیرخاکی» هستند، منع قانونی ندارد.

«سیدمحمد بهشتی»، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری، به «پیام ما» می‌گوید: «خرید و فروش آثار تاریخی و

قدیمی، به‌جز آثاری که حاصل حفاری‌های غیرمجاز و به‌اصطلاح زیرخاکی هستند، از نظر قانونی منعی ندارد و نباید این موضوع را با قاچاق یا خروج غیرقانونی آثار از کشور خلط کرد.»

او با اشاره به حاشیه‌های ایجادشده پیرامون عرضه برخی آثار تاریخی در حراج تهران توضیح می‌دهد: «قانون میان خرید و فروش آثار و خروج آن‌ها از کشور تفاوت قائل شده است. داشتن، خرید و فروش و نقل و انتقال آثاری مانند نسخه‌های خطی، قالی‌های قدیمی یا دیگر اشیایی که حاصل حفاری نیستند، از نظر قانون مشکلی ندارد. آنچه ممنوع است، خروج این آثار از کشور است. در این مرحله، وزارت میراث فرهنگی می‌تواند با تشخیص خود مانع خروج اثر شود. بنابراین، برگزاری حراج و معامله این آثار مادامی که حاصل حفاری غیرمجاز نباشند، مغایرتی با قانون ندارد.» عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری معتقد است بخشی از انتقادهایی که در سال‌های گذشته مطرح شده، ناشی از برداشت نادرست از قوانین موجود است.

او می‌گوید: «متأسفانه برخی اظهارنظرهایی که سال گذشته از سوی مسئولان مطرح شد، نشان می‌داد اشرف کافی نسبت به قوانین مرتبط وجود ندارد؛ درحالی‌که قانون، خرید و فروش این دسته از آثار را ممنوع نکرده است.»

✱ **خرید و فروش با خروج از کشور تفاوت دارد**

بهشتی با اشاره به ماجرای عرضه تابلوی «دختر نشسته» در حراج سال گذشته تأکید می‌کند: «حتی اگر درباره خروج یک اثر از کشور محدودیت وجود داشته باشد، این موضوع به‌معنای ممنوعیت خرید و فروش آن در داخل کشور نیست. بسیاری از این آثار سال‌هاست در اختیار مجموعه‌داران خصوصی قرار دارند و مالکان آن‌ها نیز این آثار را از مسیرهای قانونی خریداری کرده‌اند؛ بنابراین همان‌گونه که امکان خرید آن‌ها وجود داشته، فروش آن‌ها نیز از نظر قانونی منعی ندارد.»

او با اشاره به اینکه برگزاری حراج‌های رسمی شفافیت بیشتری نسبت به معاملات پنهانی ایجاد می‌کند، می‌گوید: «اگر چنین آثاری در حراج‌های رسمی عرضه نشوند، معاملات آن‌ها در خفا و خارج از نظارت عمومی انجام خواهد شد. در چنین شرایطی نه فروشنده از ارزش واقعی اثر خود اطلاع دارد و نه خریدار مطمئن است اثر را با قیمت واقعی خریداری کرده است. اما حراج رسمی باعث می‌شود فرایند خرید و فروش در معرض دید قرار گیرد و قیمت‌ها نیز به شکلی شفاف تعیین شوند.»

بهشتی تأکید می‌کند: «از این منظر، برگزاری حراج نه تنها ایرادی ندارد، بلکه می‌تواند به شفاف‌تر شدن بازار آثار هنری و تاریخی کمک کند و مانع گسترش معاملات غیرشفاف شود.»

✱ **در جهان فروش آثار تاریخی مرسوم است**

او با اشاره به تجربه دیدار کشورهای اروپایی در بسیاری از کشورهای جهان نیز آثار تاریخی و هنری، به‌جز اشیایی که حاصل حفاری‌های غیرقانونی هستند، در حراجی‌های معتبر خرید و فروش می‌شوند و این موضوع امری پذیرفته‌شده است. تفاوت اصلی در این است که آثار حاصل حفاری یا کشفیات باستان‌شناسی، به دلیل نفوذ به میراث عمومی، مشمول قوانین متفاوتی هستند و خرید و فروش آن‌ها ممنوع است.» عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری ادامه می‌دهد: «باید میان آثار به‌دست‌آمده از حفاری‌های غیرمجاز و آثاری که سال‌ها در مالکیت اشخاص قرار داشته‌اند، تفاوت قائل شد. نسخه‌های خطی، قالی‌ها، تابلوها و دیگر آثاری که از مسیر قانونی در اختیار مالکان قرار گرفته‌اند، مشمول ممنوعیت خرید و فروش نیستند و تنها در صورت تصمیم برای خروج از کشور، موضوع به تشخیص وزارت میراث فرهنگی و مقررات مربوط به صادرات آثار فرهنگی مرتبط می‌شود.»

بهشتی همچنین درباره مجوزهای حراج تهران بیان می‌کند: «بزرگ‌ارکنندگان حراج برای برگزاری رویداد خود مجوزهای لازم را دریافت می‌کنند و از نظر من، برگزاری حراج به‌خودی خود اقدام غیرقانونی محسوب نمی‌شود.»

✱ **منتقدان حراج چه کسانی هستند؟**

او در پایان، با انتقاد از فضاسازی‌های صورت‌گرفته پیرامون این موضوع می‌گوید: «به اعتقاد من، کسانی که بیش از همه با برگزاری حراج‌های رسمی مخالفت می‌کنند، همان افرادی هستند

که از معامله پنهانی آثار تاریخی سود می‌برند. وقتی خرید و فروش به شکل رسمی و شفاف انجام شود، امکان سوءاستفاده دلالان کاهش پیدا می‌کند؛ اما اگر این بازار به فضای غیررسمی و دور از نظارت عمومی منتقل شود، تنها واسطه‌ها از آن منتفع خواهند شد. از همین رو، نباید مخالفت با حراج‌های رسمی را لزوماً به معنای دفاع از میراث فرهنگی دانست، زیرا شفافیت، بهترین راه مقابله با بازارهای پنهان و واسطه‌های است.» میراث آریا



تاریخی الموت، معتقد است ایجاد چنین سامانه‌ای بدون برخورداری از دانش پیشرفته مهندسی، برنامه‌ریزی دقیق و شناخت کامل توپوگرافی منطقه امکان‌پذیر نبوده است.

به گفته وی، مطالعه این نظام تیرسانی، درک عمیق‌تری از ارزش‌های تاریخی، فناوریاته و تمدنی قلعه الموت ارائه می‌دهد و یکی از مهم‌ترین مولفه‌های ارزش برجسته جهانی این مجموعه به شمار می‌رود.

کاوش‌ها نشان داده است مهندسان اسماعیلی با ایجاد آب‌انبارهای بزرگ، کانال‌های سنگی، هدایت آب‌های سطحی و سامانه‌های ذخیره‌سازی، شبکه‌ای کارآمد طراحی کرده بودند که امکان سکونت طولانی‌مدت در شرایط محاصره را فراهم می‌کرد؛ سامانه‌ای که افزون بر کارکرد مهندسی، بخشی از راهبرد دفاعی و مدیریت منابع این مجموعه تاریخی محسوب می‌شد.

دستاوردهای ربع قرن کاوش در الموت نشان می‌دهد که باستان‌شناسی ابزاری برای بازخوانی تاریخ بر پایه شواهد علمی است. یافته‌های این پژوهش‌ها، بسیاری از روایت‌های تاریخی را با داده‌های مادی تطبیق داده و نشان داده است که

۲۵ سال کاوش، روایت‌های افسانه‌ای را کنار زد

الموت و استحکامات وابسته»، طی بیش از ۲۵ سال فعالیت میدانی و اجرای ۱۶ فصل کاوش باستان‌شناسی، همراه با گروهی از متخصصان، لایه‌های پنهان تاریخ این مجموعه را آشکار کرده و زمینه بازخوانی علمی یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی ایران را فراهم آورده است.

کشف «دارالاماره»: نقطه عطفی در باستان‌شناسی ایران

از مهم‌ترین دستاوردهای این کاوش‌ها، تغییر بنیادین نگاه به ماهیت قلعه الموت است. کشف ورودی بنایی شاخص با نام «دارالاماره» در محوطه، پانچخت حکومتی سازمان‌یافته، کانون تولید دانش و نمونه‌ای برجسته از مهندسی سرزمینی در جهان اسلام بوده است.

در تاریخ ایران، کمتر محوطه‌ای را می‌توان یافت که همانند قلعه الموت، درهم‌تنیدگی قدرت سیاسی، اندیشه، دانش، معماری و مدیریت سرزمین را به نمایش گذاشته باشد. این دژ تاریخی که نزدیک به دو قرن مرکز حکومت اسماعیلیان نزاری بود، فراتر از یک استحکام دفاعی، در تحولات سیاسی و فکری ایران و بخش وسیعی از خاورمیانه نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد؛ جایگاهی که بازتاب آن از ایران تا شام، مصر و حتی اروپا امتداد یافت.

با این حال، تصویر الموت در ذهن افکار عمومی طی قرن‌های اخیر بیش از آنکه بر یافته‌های علمی استوار باشد، تحت تأثیر روایت‌های افسانه‌ای، سفرنامه‌ها و ادبیات شرق‌شناسانه شکل گرفته است؛ روایاتی که با مفاهیمی چون «حشاشین»، «باغ بهشت» و «آدم‌کشان حسن صباح» گره خورده و سیمای واقعی این مجموعه تاریخی را در هاله‌ای از افسانه فرو برده است.

انکون اما پژوهش‌های باستان‌شناسی، روایت دیگری پیش‌روی پژوهشگران قرار داده‌اند؛ روایتی که بر پایه شواهد مادی، یافته‌های علمی و مطالعات میان‌رشته‌ای، الموت را

پایتخت حکومتی منسجم، مرکز تولید دانش و یکی از پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاعی و مدیریتی جهان اسلام معرفی می‌کند.

در این میان، حمیده چوپک، مدیر پایگاه میراث فرهنگی الموت و سرپرست تیم پژوهشی پرونده ثبت جهانی «قلعه

برجی که فرو ریخت، زنی که ایستاد

روایت «صدیقه عبد‌الهی»، نخستین زن شاغل در برج مراقبت دریایی چابهار



ایرانی‌ای

جنگ، گاهی در تردید یک مادر برای فرستادن فرزندش به جلسه امتحان آغاز می‌شود؛ در شب‌هایی که کودکی هفت‌ساله از ترس انفجار خوابش نمی‌برد؛ و در زندگی زنی که میان مراقبت از خانواده و حفظ شغلی که سال‌ها برای به دست آوردنش جنگیده، گرفتار مانده است.

این گزارش، روایت صدیقه عبد‌الهی است؛ زنی که جنگ را هم‌زمان در سه جایگاه تجربه کرده است؛ زنی شاغل که برای ماندن و دوام آوردن در یکی از مردانه‌ترین محیط‌های کاری جنوب کشور جنگیده؛ مادری که میان امنیت فرزند و آینده تحصیلی او ناچار به تصمیم‌گیری شده؛ و شهروندی که سه بار فرو ریختن محل کارش را به چشم دیده است. اگر جنگ با ویرانی شناخته می‌شود، روایت زنان از جنگ، روایت تلاش برای حفظ زندگی است؛ از جایی که برجی با مأموریت مراقبت و نجات، خود قربانی ویرانی می‌شود، اما زنی می‌ماند که هنوز باید از زندگی، خانواده و آنچه باقی مانده است، مراقبت کند.



اطاهره جورکش ا

پژوهشگر علوم اجتماعی و فعال حوزه زنان

❖ برجی برای نجات، در میانه جنگ فرو ریخت

وقتی با صدیقه عبد‌الهی گفت‌وگو می‌کنم، چابهار هنوز زیر شدیدترین حملات قرار دارد. برق شهر گاهی چند بار در روز قطع می‌شود و با هر خاموشی، اینترنت و خطوط تلفن نیز از دسترس خارج می‌شوند. ارتباط مدام قطع و وصل می‌شود؛ درست شبیه زندگی‌ای که این روزها میان اضطراب و انتظار معلق مانده است.

میان این قطعی‌های پی‌درپی، صدای زنی را می‌شنوم که تلاش می‌کند روایتش را آرام و دقیق تعریف کند؛ روایتی که هزار گاهی با صدای انفجار متوقف می‌شود.

صدیقه، متولد ایرانشهر پنج سال است که در برج مراقبت دریایی چابهار کار می‌کند. او تنها زن بخش عملیاتی این برج است و به‌عنوان کارشناس جست‌وجو و نجات دریایی فعالیت می‌کند؛ زنی که وارد محیطی شد که سال‌ها حضور زنان در آن ناممکن تصور می‌شد. برج مراقبت دریایی چابهار همان برج سفید شصت‌وشش متری که سال ۱۴۰۰ افتتاح شد، برای بسیاری از مردم شهر فقط یک ساختمان اداری نبود؛ به یکی از نمادهای چابهار تبدیل شده بود. بسیاری آرزو داشتند تنها یک بار از بالای آن دریا را تماشا کنند. اما برای صدیقه، آن برج فقط یک نماد شهری نبود؛ بخشی از زندگی حرفه‌ای و حاصل سال‌ها تلاش برای رسیدن به جایگاهی بود که به دست آورده بود.

این برج، مطابق مأموریت تعریف‌شده برای آن، وظیفه نظارت بر ترافیک دریایی شناورها و کشتی‌ها در محدوده دریای عمان و هماهنگی عملیات جست‌وجو و نجات دریایی را بر عهده

زنان

مردانه تعریف می‌کند. در این نگاه، دریا، ناویری و کار در موقعیت‌های حساس، پیش از آنکه به مهارت و تخصص وابسته باشد، با جنسیت گره خورده است. حضور صدیقه در چنین فضایی، شکستن همین مرز نامرئی بود. «وقتی برای نخستین بار وارد این مجموعه شدم، بارها این سؤال را می‌شنیدم که یک خانم اینجا چه کار می‌کند. از نگاه خیلی‌ها، زن بودن با این شغل هیچ سختی نداشت.»

این نگاه، حتی پس از پنج سال کار تخصصی، هنوز هم به‌طور کامل از بین نرفته بود؛ «همین امروز هم برای بیمه من مشکل دارند. شرکت می‌گوید مگر یک خانم می‌تواند در چنین شغلی کار کند؟ فکر می‌کنند اسم یک نفر را فقط برای بیمه داخل قرارداد نوشته‌اند، نه اینکه یک زن واقعاً هر روز در برج مراقبت کار کرده باشد.»

او برای رسیدن به این موقعیت، تنها با ساختار مردسالارانه رویه‌رو نبود. مسیر آموزش و کسب تخصص نیز برایش پراز مانع بود؛ از گرفتن مدارک تخصصی دریانوردی و زبان انگلیسی برای کار با کنواسیون‌های بین‌المللی گرفته تا ادامه تحصیل در رشته‌ای که در عمل، مسیر آن بیشتر برای مردان هموار شده بود.

«برای این کار، ناویری خواندم و مدرک‌های تخصصی گرفتم، اما وقتی خواستم ادامه تحصیل بدهم، گفتند باید مدرک را از دانشگاه ملی مهارت بگیري؛ دانشگاهی که رشته ناویری آن عملاً فقط برای آقایان است. یعنی می‌توانستم همان کار را انجام بدهم، اما مسیر تحصیلی آن برای من وجود نداشت.»

بعد از او، دوزن دیگر نیز وارد این مجموعه شدند و در بخش بهداشت محیط و ایمنی شناورها مشغول به کار شدند.

«کم‌کم تابوی اینکه زن نمی‌تواند کار دریایی انجام دهد، شکسته شد. حضور ما نشان داد این شغل، بیش از آنکه به جنسیت وابسته باشد، به تخصص نیاز دارد.»

اما درست زمانی که سال‌ها تلاش صدیقه برای پذیرفته شدن در این محیط به ثمر نرسشته بود، جنگ از راه رسید و در چند روز برجی را ویران کرد که برای ساختن جایگاهش در آن، سال‌ها زمان صرف کرده بود.

❖ کشش‌هایی پشت در؛ مادری میان ترس و تصمیم در روزهای جنگ

با این حال، سخت‌ترین روایت صدیقه از محل کارش آغاز نمی‌شود؛ از خانه شروع می‌شود.

او مادر دو دختر است؛ یکی هفده‌ساله که امتحانات نهایی دبیرستانش هم‌زمان با آغاز دوباره جنگ شروع شده بود و دیگری دختری هفت‌ساله که شب‌ها دیگر خواب آرامی ندارد.

«همه تلاشم این بود که دختر بزرگم در آرامش درس بخواند. از رفت‌وآمدها و سفرهایم کم کرده بودیم تا فقط روی امتحان‌هایش تمرکز کند. اما درست چند روز بعد از شروع امتحانات، دوباره جنگ آغاز شد.»

جنگ، برای او ناگهان به یک پرسش ساده اما سرنوشت‌ساز تبدیل شد؛ آیا دخترش را به جلسه امتحان بفرستد یا نه؟ «به هر دو انتخاب فکر می‌کردم. اگر نمی‌رفت، آینده تحصیلی‌اش آسیب می‌دید و اگر می‌رفت، هیچ تضمینی وجود نداشت که سالم برگردد.»

همه این‌ها در شرایطی بود که در روزهای نخست جنگ، همسرش نیز کنار خانواده نبود. هم‌زمان با آغاز امتحانات نهایی دخترش، همسر صدیقه برای شرکت در آزمون کارشناسی ارشد به بندرعباس رفته بود؛ شهری که خود هدف حملات شدید قرار گرفت. پس از آن، به دلیل شرایط جنگی، محل برگزاری آزمون او به جاسک منتقل شد؛ اما چند روز بعد، حملات به جاسک نیز آغاز شد.

برای صدیقه، نبودن همسر فقط به معنای دور بودن یک نفر از خانه نبود؛ در همان روزهایی که جنگ آغاز شده بود، او باید هم‌زمان با نگرانی برای امنیت همسرش، بار تصمیم‌گیری، مراقبت از دو فرزند و مواجهه با ترس‌های روزمره خانواده را نیز به تنهایی بردوش می‌کشید.

«وقتی دخترم می‌خواست برای امتحان از خانه خارج شود، نمی‌توانستم همراه‌اش باشم. دختر کوچکم را هم نمی‌شد در آن گرمای شدید با خودم بیرون ببرم. با هزار توسل و دعا

راهی‌اش کردم.» او می‌گوید: «هر لحظه اخبار را دنبال می‌کردم و منتظر بودم برگردد. ترس همه وجودم را گرفته بود. می‌تربسیدم اتفاقی که برای مدرسه میباف افتاد، اینجا هم تکرار شود. مگر می‌شود مادر باشی و از چنین موقعیتی نترسی؟ چرانتربسم؟ این برج که کاربری نظامی نداشت، هدف حمله قرار گرفت؛ چه تضمینی وجود دارد که مکان‌های غیرنظامی را هدف قرار ندهند؟»

چند لحظه سکوت می‌کند و بعد از تصویری حرف می‌زند که برای او به نشانه باارگشت و زنده ماندن تبدیل شده است. «هر بار که برمی‌گشت و کشش‌هایش را دم در می‌دیدم، فقط بابت همان یک جفت کشش که پشت در بود، هزار بار خدا را شکر می‌کردم که دخترم سالم به خانه برگشته است.»

برای مادری که شهرش زیر بمباران است، همان کشش‌هایی که پشت در جفت شده‌اند، معنایی فراتر از یک بازگشت معمولی دارند.

او می‌گوید: «در جنگ، وقتی بچه داشته باشی، همه‌چیز فرق می‌کند. باید تصمیم‌گیری و باید تصمیم‌درستی هم بگیری. من به جایی رسیده بودم که واقعاً نمی‌دانستم برای دخترم کدام تصمیم درست است.»

در سوی دیگر خانه، دختر هفت‌ساله‌اش نیز جنگ را به زبان خودش تجربه می‌کند.

«چند وقتی است درباری خوابی شده است. شب‌ها از خواب بیدار می‌شود، می‌آید مرا می‌بوسد، در خانه قدم می‌زند و دوباره به رختخواب برمی‌گردد. یک شب دیدم اصلاً نمی‌خواهد بخوابد. با او صحبت کردم و فهمیدم منتظر است دوباره بمباران شروع شود. هر قدر هم تلاش می‌کنم آرامش کنم، وقتی صدای انفجارهای شبانه را می‌شنود، ترس دوباره به سراغش می‌آید.»

❖ ریشه‌هایی که با جنگ‌کنده نمی‌شوند

صدیقه می‌گوید تا پیش از این، همیشه از خودش می‌پرسید چرا خانواده‌ها در کشورهای جنگ‌زده مهاجرت نمی‌کنند؛ چرا می‌مانند و چرا کودکانشان را در دل جنگ بزرگ می‌کنند.

حالا پاسخ آن پرسش را در تجربه شخصی خودش پیدا کرده است.

«وقتی خودم جنگ را تجربه کردم، فهمیدم چقدر در این خاک و آب ریشه دارم. مهاجرت، آن‌قدر که از دور به نظر می‌رسد، ساده نیست. اینجا زادگاه من است. زندگی‌ام اینجاست. با دو بچه و با این پول کم‌ارزش، واقعاً آدم کجا می‌تواند برود؟»

او از محرومیت‌های سال‌های زندگی در چابهار و ایرانشهر نیز حرف می‌زند؛ از کمبودهایی که آن‌قدر بیا آن‌ها زندگی کرده‌اند که گاهی دیگر به چشم نمی‌آیند.

«سال‌هاست با کمبود امکانات زندگی کرده‌ایم و به ناچار به خیلی چیزها عادت کرده‌ایم. اما هر بار که به شهرهای بزرگ می‌رویم، تازه متوجه می‌شویم چیزهایی که برای دیگران بخشی از زندگی عادی است، برای ما همیشه دور از دسترس بوده است. جنگ، این محرومیت‌ها را عمیق‌تر می‌کند و فقط آن‌ها را آشکارتر نشان می‌دهد.»

روایت صدیقه، روایت زنی است که جنگ را از نزدیک‌ترین فاصله ممکن تجربه کرده است؛ از پشت میز کاری که دیگر وجود ندارد، از کنار تخت کودکی که خواب آرامش را از دست داده و از پشت دری که هر بار باز شدنش برای او به معنای بازگشت یکی از عزیزانش است.

برج سفید چابهار فرو ریخته است؛ اما داستان زنی که سال‌ها برای حضور و دیده شدن در آن فضا تلاش کرده، با ویرانی یک ساختمان به پایان نمی‌رسد. شاید یکی از مهم‌ترین روایت‌های جنگ همین باشد؛ اینکه پشت هر ساختمان فرو ریخته، پشت هر شهر خاموش و پشت هر صدای انفجار، زندگی‌هایی جریان دارند که می‌کوشند بار دیگر خود را از میان آوارها پیداکنند.

صدیقه هنوز در چابهار مانده است؛ در شهری زخمی از جنگ، اما همچنان پیوندخورده با خانه، خانواده و ریشه‌هایی که به‌آسانی نمی‌توان از آن‌ها جدا شد. همان‌گونه که خودش می‌گوید، گاهی ماندن فقط یک انتخاب نیست؛ بخشی از رابطه عمیقی است که انسان با سرنوین و زندگی ساخته‌شده در آن برقرار می‌کند.



رویتش ا

ا خبر

تأکید معاون رئیس‌جمهور

بر حمایت از زنان قربانی

خشونت‌سایبری

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه تعرض به حریم خصوصی زنان، تعرض به کرامت انسانی و امنیت اجتماعی است، بر ضرورت برخورد قانونی با عاملان این جرایم و حمایت همه‌جانبه از زنان آسیب‌دیده تأکید کرد.

زهرا بهروزآذر در گردهمایی همیاران سلامت روانی و اجتماعی، با اشاره به انتشار غیرقانونی تصاویر خصوصی تعدادی از زنان و دختران و اخاذی از آنان در یکی از استان‌های کشور، این حادثه را نمونه‌ای تکان‌دهنده از اشکال جدید خشونت دانست.

او گفت: «پیش از این بیشتر درباره خشونت فیزیکی، کلامی و اقتصادی سخن می‌گفتم. این خشونت‌ها همچنان وجود دارند، اما امروز با شکل تازه‌ای از خشونت، یعنی خشونت در فضای مجازی و خشونت سایبری، مواجه هستیم که با توسعه فناوری و هوش مصنوعی، می‌تواند ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری پیدا کند.»

معاون رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت نگاه مسئولانه به توسعه هوش مصنوعی اظهار کرد: «همان اندازه که بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای بهبود زندگی اهمیت دارد، باید نسبت به پیامدها و جنبه‌های منفی آن نیز هوشیار باشیم. این فناوری می‌تواند برای جعل تصویر و هویت، انتشار اخبار دروغین، نقض حریم خصوصی و تخریب اعتبار افراد مورد سوءاستفاده قرار گیرد.»

بهروزآذر افزایش سواد سایبری را یکی از نیازهای جامعه دانست و تصریح کرد: «همه اقشار جامعه، به‌ویژه زنان و دختران، باید بیاموزند چگونه از اطلاعات شخصی و حریم خصوصی خود در فضای مجازی محافظت کنند، مخطرات را بشناسند و اقدامات پیشگیرانه لازم را انجام دهند.»

او با تأکید بر آموزش و پیشگیری خاطرنشان کرد: «افرادی که تصاویر خصوصی آنان منتشر شده است، قربانی خشونت و جرم هستند. باید به دلیل جرمی که علیه‌شان رخ داده، بار دیگر با سرزنش، توهین، طرد اجتماعی یا خشونت در محیط خانواده و جامعه مواجه شوند.»

معاون رئیس‌جمهور با قدردانی از اقدام هماهنگ نهادهای امنیتی، اطلاعاتی، انتظامی، قضایی و دستگاه‌های مسئول فضای مجازی در شناسایی و دستگیری عاملان این پرونده بیان کرد: «وجود قوانین جرایم رایانه‌ای و همکاری مسئولانه دستگاه‌ها، امکان برخورد سریع و قانونی با مرتکبان این جرایم را فراهم کرده است.»

بهروزآذر ادامه داد: «حفظ کرامت، امنیت و آبروی زنان و دختران، موضوعی متعلق به یک دستگاه یا یک بخش خاص نیست، بلکه مسئولیتی مشترک و مورد اهتمام همه ماست. تعرض به حریم خصوصی زنان، تعرض به کرامت انسانی و امنیت اجتماعی جامعه است.»

او همچنین از پیگیری مستقیم خود برای حمایت از زنان آسیب‌دیده خبر داد و یادآور شد: «در تماس با استاندار و دیگر دستگاه‌های مسئول تأکید کردم همه افرادی که مورد اخاذی و خشونت قرار گرفته‌اند، باید بلافاصله از خدمات سلامت روان و حمایت‌های تخصصی برخوردار شوند و با آنان و خانواده‌هایشان گفت‌وگو شود تا این زنان بار دیگر در محیط خانواده با اجتماع قربانی خشونت نشوند.»

معاون رئیس‌جمهور توانمندسازی و آگاهی‌بخشی به مردان را نیز در کنار آموزش زنان ضروری دانست و عنوان کرد: «در حادثه اخیر، مردانی عضو کانال‌های انتشار این تصاویر بودند. باید به مردان یادآوری کنیم که قربانیان این خشونت‌ها، زنان و دختران همشهری خود آنان هستند.»

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقدسند رسمی	
آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای اصلاحی شماره ۱۹۰۴۰۴۱۹/۱۴۰۵۶۳۱۹۰۴/۵۳/۱۴۰۵-۱۴۰۵	
هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جیرفت تصرفات مالکانه بلامعارض تقاضای آداری امیر اعتمادی نسب فرزند محمد بشماره شناسنامه ۴ صادر از جیرفت در شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۵۶/۷۰ متر مربع پلاک ۲۴۶ فرعی از ۵۴۶- اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۵۴۶- اصلی قطعه دو واقع در اراضی پشت لر جیرفت بخش ۲۵ کرمان خبرداری از مالک رسمی خانم مرصیه انتشار آگهی به مدت یکماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸	
محمد کردستانی - رئیس اداره ثبت اسناد جیرفت	
شناسه آگهی: ۲۲۳۰۵۳۰۲۲۳۰۵۳۰	

شناسنامه ه و ک د ملی ۲۸۲۰۵۷۱۹۱ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۹۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۳۶۹۲۳ صادره از ماکو فرزند حمزه ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۷۱۹۱-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۷- خانم زهرا رجب‌زاده به شماره شناسنامه ۳۱۷ و ک د ملی ۲۸۳۰۳۶۹۲۳ صادره از ماکو فرزند رشید در ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۹۴۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۸- خانم یگانه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۹- خانم فرزانه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۰- خانم هنگامه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۱- خانم زهرا رجب‌زاده به شماره شناسنامه ۳۱۷ و ک د ملی ۲۸۳۰۳۶۹۲۳ صادره از ماکو فرزند رشید در ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۲- خانم فرزانه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۳- خانم هنگامه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۴- خانم زهرا رجب‌زاده به شماره شناسنامه ۳۱۷ و ک د ملی ۲۸۳۰۳۶۹۲۳ صادره از ماکو فرزند رشید در ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۵- خانم فرزانه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	
۱۶- آقای اصغر محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۴۶/۴۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۰/۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد املاک آذربایجانغربی

استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۳۹۴۶-۱۴۰۵-۱۴۰۵

۴- خانم فرزانه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ه ۴۶ و ک د ملی ۲۸۳۰۷۳۸۱۹۵ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۱۸/۱۸ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۶۹/۰۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۸۱۹۵-۱۴۰۵-۱۴۰۵

۳- خانم هنگامه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ه و ک د ملی ۲۸۳۰۰۳۳۹۴۶ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۱۸/۱۸ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۶۹/۰۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵

ه و ک د ملی ۲۸۲۰۵۷۱۹۱ صادره از ماکو فرزند حمدالله در ۳۶/۳۶ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۶۹/۰۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۷۱۹۱-۱۴۰۵-۱۴۰۵

۲- خانم یگانه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ۹۴۴/۹۴ و ک د ملی ۲۸۳۰۰۹۶۹۸۳ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۱۸/۱۸ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۶۹/۰۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵

۳- خانم هنگامه محمدعلی زاده سنگر به شماره شناسنامه ه و ک د ملی ۲۸۳۰۰۳۳۹۴۶ صادره از ماکو فرزند حمدالله ه ۱۸/۱۸ سهم مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۶۹/۰۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از - ا اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای اصغر محمد علیزاده پرونده‌ی کلاسه ۶۹۸۳-۱۴۰۵-۱۴۰۵

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ و ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۲ - ۱۳۶۲/۰۴/۲۳-۱۴۰۵ صادره هیات موضوع قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است، لذا مشخص متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- آقای اصغر محمد علی زاده سنگر به شماره شناسنامه

